

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

۱۱	مقدمه مترجمین
۱۵	بخش اول نظری اجمالی
۱۷	فصل ۱ مقدمه‌ای بر هنر درمانی (روان‌درمانی هنری)
۳۹	بخش دوم هنر درمانی خانواده
۴۳	فصل ۲ مصاحبه اولیه خانواده: روش‌های «تشخیصی»
۴۹	فصل ۳ تاریخچه‌ای موردی از یک خانواده سالم
۸۷	فصل ۴ خانواده درمانی هنری برای خانواده‌های تک‌والدی
۱۰۳	فصل ۵ درگیری با عضو سالمند خانواده
۱۰۷	فصل ۶ بیان نمادی یک کودک از تعارض زناشویی والدین
۱۱۳	بخش سوم کودکان سن نهفتگی
۱۱۵	فصل ۷ درمان فردی: تاریخچه موردی لالی انتخابی
۱۳۱	فصل ۸ هنر درمانی بالینی برای گروه سنی نهفتگی
۱۴۹	فصل ۹ هنر درمانی فردی در بخش پزشکی کودکان
۱۶۱	فصل ۱۰ هنر درمانی گروهی در بخش کودکان
۱۶۹	فصل ۱۱ مداخله بحرانی به عنوان ارزیابی پیشگیری

۱۸۹	بخش چهارم نوجوانان و بزرگسالان	
۱۹۳	لوری: درمان بلند مدت دوران نوجوانی	فصل ۱۲
۲۲۳	تأکید بر وسیله: یک بزرگسال در درمان بلند مدت	فصل ۱۳
۲۴۹	گروه‌درمانی هنری با کودکان باقی‌مانده از کشتار جمعی	فصل ۱۴
۲۹۳	خلاقیت مسدود حل نشده: درمان کوتاه‌مدت	فصل ۱۵
۲۹۷	بخش پنجم سالمندان	
۳۰۳	فنون درمان فردی	فصل ۱۶
۳۱۱	روان‌درمانی هنری برای گروه سالمند	فصل ۱۷
۳۲۱	بخش ششم بیمارستان‌های روانی و مراکز درمانی روزانه	
۳۲۹	روان‌درمانی هنری گروهی در بیمارستان‌های روانی	فصل ۱۸
۳۵۵	هنر درمانی گروهی در مراکز درمانی سرپایی	فصل ۱۹
۳۸۱	روان‌درمانی هنری فردی	فصل ۲۰
۳۹۳	بخش هفتم توانبخشی و درمان درد مزمن	
۳۹۷	روان‌درمانی فردی در یک واحد توانبخشی	فصل ۲۱
۴۰۹	روان‌درمانی هنری فردی برای بیمار مبتلا به درد مزمن	فصل ۲۲
۴۱۷	هنر درمانی به‌عنوان ابزار ارزیابی برای خود‌کنترلی	فصل ۲۳
۴۲۱	هنر به‌عنوان صدا: زوج‌درمانی	فصل ۲۴
۴۳۷	منابع	
۴۴۱	کتابشناسی	
۴۴۹	واژه‌نما	
۴۵۳	موضوع‌نما	

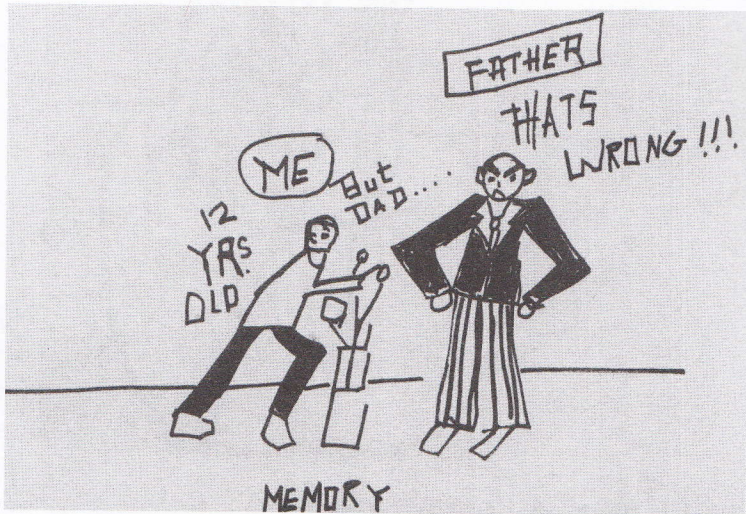
دومین ماه

صندسازی^۱ و فرافکنی^۲

برای بعضی از والدین درک خویشتن در دوران کودکی می‌تواند اطلاعاتی در مورد صندسازی و فرافکنی بدهد. به منظور کسب بینش وسیع‌تر خانواده درباره موضوع فوق، اعضای خانواده خواسته شد صحنه‌ای از زمانی که جوان‌تر بودند بکشند و به والدین گفته شد «خود را در سنی شبیه یکی از فرزندان‌تان نقاشی کنید».

آقای براون بدون درنگ، خود را هم سن هنری نقاشی کرد (شکل ۱۲A). در صحنه‌ای که پدرش به او گفته بود «همه کارها را اشتباه انجام می‌دهی». او برای کمک به مادرش و برهن زباله‌ها، فرستاده شد. صحنه‌ای که آقای براون کشید، شبیه وضعیت جلسه اول بود و به این ترتیب معلوم شد او مشکلات دوره کودکی خود را در پسرش فرافکنی کرده است. آقای براون نشان داد که پسرش را در بسیاری از نقش‌هایی که خودش بازی می‌کرده می‌بیند به همین دلیل خشمگین می‌شود.

خانم براون خودش را در ۱۲ سالگی نقاشی کرد (شکل ۱۲B)، صحنه‌ای که مادرش او را در آغوش گرفته بود. او گفت «زمانی که ۱۰ ساله بودم پدرم در گذشت و همین امر باعث نزدیکی من به مادرم شد». خانم براون عنوان کرد مادرش همیشه نسبت به



شکل ۱۲A: آقای براون پدرش را به یاد می‌آورد.

کودکان سن نهفتگی

بچه‌ها و دخترها در اواسط کودکی - سنین ۶ تا ۱۲ سالگی - «برای آغاز هویت مستقل و ابراز وجود آماده می‌شوند» (استون و چارچ^۱ ۱۹۵۷). سن نهفتگی زمانی است که کودک تقریباً از والدین احساس جدایی می‌کند تا «به احساسی اصیل از خود برسد»، همین دلیل در این مرحله حالت دلبستگی، عینیت می‌یابد. رویکرد هنر درمانی برای کودکان در سنین نهفتگی بر کمک به کودک در انجام تکالیف رشدی ضروری تأکید دارد.^۲ نویسنده نظریه‌هایی از «بازی» یا «بازی درمانی»^۳ را برای هنر درمانی این کودکان مناسب می‌داند. اریکسون^۳ (۱۹۵۹) بازی کودکان را «روشی نابالغ از تفکر در مورد تجربیات مشکل و دستیابی به احساس تسلط» می‌داند. اکسلین^۴ (۱۹۴۷) بازی را وسیله‌ای طبیعی برای ابراز احساس کودک از «تنش، ناکامی، ناامنی^۵، پرخاشگری^۶، ترس^۷ و ابهام^۸» می‌داند. او همچنین بیان می‌کند: «کودکان با بازی کردن، آنچه را که احساس می‌کنند، بیرون می‌ریزند و آن را به سطح می‌آورند و با آن روبرو می‌شوند، یاد می‌گیرند که آنها را کنترل کنند یا رهایشان کنند. زمانی که کودک به آرامش هیجانی می‌رسد، قدرت خود را

1. Stone & Church
5. Insecurity

2. Play therapy
6. Aggression

3. Erikson
7. Fear

4. Axline
8. Confusion

گروه درست کرد و «گروه کلامی» مطلوب خود را نشان داد که با یک مددکار اجتماعی راهنمایی می شد. «باربارا» جعبه نقاشی رنگی را درست کرد و احساسات خوب خود را درباره هنردرمانی نشان داد چرا که به او شانس برای امیدواری می داد. «بن» به جای گزارش «احساس خوب» به روی کاغذ در دسترس خود خم شد تا ترس خود را که نتوانست آن را از خود دور کند، بکشد.

بیان موضوعات ترسناک

به بیمارانی که از ابراز موضوعات ترسناک خودداری می کردند اجازه داده شد تا چنین افکاری را آشکار نمایند. درمانگر احساس کرد بررسی کلاژ «بن» با توجه به نگرانی او در مورد «بهتر نشدن» مهم است. بخصوص که این تمایل در اکثر بیماران دیده می شد بنابراین، به اعضا گروه تکه های خمیر داده شد و سپس، به آنها گفته شد تصویری از این احساس که چرا حالتان بهتر نمی شود بکشید.

همه نمادی انتزاعی یا نمایشی مطرح کردند که ترس آنها از این که عملکردشان در سطح پائین باقی بماند، را نشان می داد. «آن» چند رنگ را با هم بکار برد که بدین معنی بود «من همیشه احساس آشفتگی می کنم». «بن» جمجمه ای را کشید و گفت: «من قل از این که تمام قسمت ها را کنار هم بگذارم خواهم مرد». «جیم» مکعبی ساخت و گفت: «کنترل خودم ممکن است موقتی باشد». «جولی» لاک پستی را کشید و مطرح کرد «من از این که هرگز قادر به بلند کردن گردنم نباشم نگرانم» و «باربارا» مسیر قرمزی را کشید که نشان دهد، «باور این که من با افسردگی و خشم بمیرم سخت است».

بیان خشم و ناتوانی هیجانی^۱

پاسخ «باربارا» که بدلیل کار او با خشم و افسردگی همراه بود، بحث گروهی را برانگیخت، اعضا گروه آشکار کردن احساسات مشابه خود را مرزبندی کردند. برای تهیه بیان هیجان های واپس زده بیمار، به اعضا گروه خاک رس مرطوب سفید داده شد (که کمتر از خاک رس قرمز شل می شود).